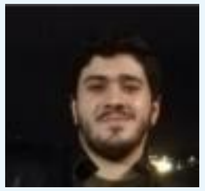
if available

THE FIRST INTERNATIONAL CONGRESS ON HEALTH SERVICES TRANSFORMATION
اولین کنگره بین المللی تحول خدمات سلامت
۲۷ و ۲۸ مهر ماه
ISC 05251-58426 Scopus CIVILICA

Code:1683



بررسی عوامل موثر بر مشارکت زنان در بازار کار با استفاده از رویکردهای اقتصادسنجی

محمدحسین سلطان حسینی (۱)

(۱) کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه صنعتی شریف، تهران، ایران، ایمیل: m.soltanhoseini@gmail.com

مقدمه

مشارکت زنان در بازار کار یکی از مؤلفه‌های مهم توسعه اقتصادی و اجتماعی و استفاده مؤثر از سرمایه انسانی است. پایین بودن مشارکت اقتصادی زنان می‌تواند به معنای استفاده ناکامل از ظرفیت نیروی انسانی و محدود شدن فرصت‌های رشد اقتصادی باشد. تصمیم زنان برای حضور در بازار کار نیز تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی مانند سن، تحصیلات، درآمد خانوار، وضعیت تأهل، تعداد فرزندان و محل سکونت قرار دارد.هدف این پژوهش، بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در بازار کار ایران با استفاده از داده‌های هزینه و درآمد خانوار سال ۱۴۰۱ است. در این مطالعه، زنان ۱۵ تا ۶۵ سال بررسی شده و اثر ویژگی‌های فردی و خانوادگی بر احتمال مشارکت آنان در بازار کار با استفاده از مدل لاجیت برآورد شده است.

روش ها

در این پژوهش از داده‌های طرح هزینه و درآمد خانوار مرکز آمار ایران در سال ۱۴۰۱ استفاده شده است. نمونه پژوهش شامل ۴۱٬۷۲۷ زن ۱۵ تا ۶۵ ساله است. متغیر وابسته، وضعیت مشارکت در بازار کار است که برای افراد شاغل برابر یک و در غیر این صورت برابر صفر در نظر گرفته شده است. متغیرهای توضیحی شامل درآمد خانوار، سن و مجذور سن، تعداد اعضای خانوار، تعداد فرزندان، سرپرست خانوار بودن، وضعیت تأهل، شهری یا روستایی بودن محل سکونت، سطح تحصیلات و استان محل سکونت است. برای برآورد احتمال مشارکت زنان در بازار کار از مدل رگرسیون لاجیت و روش حداکثر راست‌نمایی استفاده شده و برای تفسیر اندازه اثر متغیرها، اثرات نهایی محاسبه شده است. همچنین اثرات ثابت استانی در مدل کنترل شده‌اند. در رابطه‌ی زیر، Y بیانگر مشارکت زن در بازار کار و X شامل ویژگی‌های فردی، خانوادگی، تحصیلی و محل سکونت است.

$$P(Y_i = 1|X_i) = \frac{\exp(X_i'\beta)}{1 + \exp(X_i'\beta)}$$

یافته ها

نتایج برآورد مدل لاجیت نشان می‌دهد که عوامل فردی، خانوادگی و تحصیلی نقش مهمی در مشارکت زنان در بازار کار دارند. درآمد خانوار اثر مثبت و معناداری بر احتمال مشارکت دارد. همچنین ضریب سن مثبت و ضریب مجذور سن منفی و معنادار است که بیانگر رابطه غیرخطی میان سن و مشارکت در بازار کار است. افزایش تعداد اعضای خانوار با کاهش احتمال مشارکت زنان همراه است، در حالی که افزایش تعداد فرزندان اثر مثبت و معناداری دارد؛ به‌طوری‌که هر فرزند اضافی، احتمال مشارکت را حدود ۰.۹۰ واحد درصد افزایش می‌دهد. سرپرست خانوار بودن نیز از عوامل مهم مشارکت است و احتمال حضور زن در بازار کار را حدود ۶.۸۵ واحد درصد افزایش می‌دهد. در مقابل، متأهل بودن و سکونت در مناطق شهری به‌ترتیب با کاهش حدود ۵.۳۳ و ۳.۳۰ واحد درصدی احتمال مشارکت همراه هستند. نتایج مربوط به تحصیلات نیز نشان می‌دهد که اثر سطوح پایین‌تر تحصیلی نسبت به گروه مرجع عمدتاً منفی یا از نظر آماری غیرمعنادار است، اما از مقطع کاردانی به بعد رابطه‌ای مثبت و معنادار مشاهده می‌شود. نسبت به گروه مرجع بی‌سواد، اثر نهایی کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترای حرفه‌ای و دکترای تخصصی به‌ترتیب حدود ۸.۸۴، ۱۴.۸، ۲۴.۶ و ۲۷.۷ واحد درصد برآورد شده است. در مجموع، تحصیلات دانشگاهی، سرپرست خانوار بودن و تعداد فرزندان با احتمال بیشتر مشارکت زنان و تأهل، افزایش اندازه خانوار و سکونت شهری با احتمال کمتر مشارکت آنان در بازار کار همراه هستند.

متغیر	ضریب رگرسیون لاجیت	اثر نهایی
درآمد خانوار	0.000104***	0.00000857***
	(0.0000245)	(0.00000202)
سن	0.378***	0.00209***
	(0.0189)	(0.000198)
مجذور سن	-0.00452***	—
	(0.000229)	—
تعداد اعضای خانوار	-0.0761***	-0.00625***
	(0.0279)	(0.00230)
تعداد فرزندان	0.110**	0.00901**
	(0.0475)	(0.00391)
سرپرست خانوار	0.833***	0.0685***
	(0.140)	(0.0116)
متأهل	-0.649***	-0.0533***
	(0.122)	(0.0100)
شهری	-0.401***	-0.0330***
	(0.0522)	(0.00409)
دبستان	-0.233**	-0.0132**
	(0.0943)	(0.00558)
متوسطه اول	-0.160	-0.00935
	(0.115)	(0.00674)
متوسطه دوم	-0.0609	-0.00370
	(0.233)	(0.0139)
دیپلم و پیش‌دانشگاهی	0.0890	0.00573
	(0.109)	(0.00695)
کاردانی	0.983***	0.0884***
	(0.160)	(0.0169)
کارشناسی	1.421***	0.148***
	(0.115)	(0.0115)
کارشناسی ارشد و دکترای حرفه‌ای	1.989***	0.246***
	(0.147)	(0.0218)
دکترای تخصصی	2.152***	0.277***
	(0.495)	(0.0957)

نتیجه گیری

نتیجه‌ای که از بررسی‌های این پژوهش می‌توان گرفت این است که عوامل مختلفی می‌تواند روی احتمال مشارکت بانوان تاثیرگذار باشد. هر یک از این عوامل به نوبه‌ی خود روی مشارکت بانوان تاثیرگذار باشد منتها برای اثرگذاری بیشتر و اعمال سیاست‌های حمایتی در جهت افزایش مشارکت بانوان، باید عواملی را در نظر داشت که بیشترین تاثیر را روی مشارکت بانوان دارد. با توجه به یافته‌های این پژوهش، عواملی همچون سرپرست خانوار بودن و وضعیت تاهل می‌تواند بیشترین تاثیر را روی مشارکت بانوان داشته باشد بطوریکه اگر فرد سرپرست خانوار باشد، احتمال مشارکتش در بازار کار حدود ۰.۰۶۸ افزایش می‌یابد. همچنین از دیگر عواملی که می‌تواند روی مشارکت بانوان تاثیرگذار باشد، تعداد فرزندان خانواده است. طبق نتایج این پژوهش هر فرزند اضافه‌تر می‌تواند بطور متوسط ۰.۰۰۹ میزان احتمال مشارکت بانوان را افزایش دهد. همچنین از جمله عوامل دیگری که می‌تواند در عرضه سیاستگذاری مهم باشد این است که هرچقدر میزان سطح تحصیلات فرد افزایش می‌یابد، احتمال مشارکت فرد در بازار کار افزایش می‌یابد. در واقع می‌توان گفت که اگر سیاستگذار دغدغه‌ی افزایش مشاکرت بانوان در بازار کار را دارد می‌تواند با سرمایه‌گذاری در افزایش سطح تحصیلات عالیه بانوان، این هدف را برآورده کند.

رفرنس ها

Mincer, J., Labor force participation of married women: A study of labor supply, in Aspects of labor economics. 1962, Princeton University Press. p. 63-105.

Maalouf, M. and T.B. Trafalis, Robust weighted kernel logistic regression in imbalanced and rare events data. Computational Statistics & Data Analysis, 2011. 55(1): p. 168-183.

Lloyd, C.B., B.T. Niemi, and B.T. NIEMI, The economics of sex differentials. 1979: Columbia University Press New York.